

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معرفت مقرب

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى عِزَّةِ مُحَمَّدٍ

عنوان مقاله:
معرفت مقرب

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت:
هدف تشریح چیست؟

عباد چگونه می توانند به غرض اقصای تشریح دست یابند؟

معرفت مقرب چیست و چگونه تحصیل می شود؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱؛

و من جنّ و انس را نیافریدم، مگر برای اینکه مرا پرستش کنند.

هدف تشریح

بنابر نصّ سوره مبارکه ذاریات، آیه ۵۶، هدف خلقت مخلوقات، چیزی جز عبودیت نبوده، بنابراین خداوند متعال، بندگانش را مکلف به عبودیت فرموده است، اما این عبودیت جز با معرفت محقق نمی شود. لذا در تفاسیر مآثور آیه شریفه، از عبودیت به «معرفت» تعبیر شده است؛ چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «لِيَعْبُدُونِ أَي لِيَعْرِفُونِ»^۲.

براین اساس می توان دریافت که غرض اقصای خداوند متعال از تشریح شریعت و وضع تکالیف بر ذمه بندگان نیز چیزی جز معرفت نبوده، چرا که عباد به سبب این معرفت می توانند نسبت به معبود و خالق خویش، تقرب یابند.

معرفت مقرب

بنابراین، پس از علم بر اینکه هدف تشریح، تحصیل معرفت به جهت تقرب است، برماست تا به تحقیق از چیستی معرفت مقرب بپردازیم.

بیان مطلب آنست که تشریح (دین)، در صورت ظاهر از احکامی چون نماز، روزه، حج، و ... تشکیل شده است. انجام این اوامر و احکام الهی، به گونه ای که مورد رضایت خداوند متعال باشد، موجب قرب عبد به معبود می شود.

۱. سوره مبارکه ذاریات، آیه ۵۶

۲. مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۲، ص ۴۱۳

آنچه در نصوص آمده حاکی از این مهم است که پذیرش و قبولی این اعمال منوط به نیت آنهاست؛ چنانچه در جوامع روایی به احادیث ذیل اشاره شده است:

ابوحمره ثمالی از حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ»^۳؛

هیچ عملی جز با نیت محقق نمی شود.

یعنی عمل بدون نیت، اصلاً عمل محسوب نمی شود، چون همانطور که در نص حدیث شریف ملاحظه می شود، قبل از عمل بدون نیت، لای نفی جنس قرار گرفته، یعنی بدون نیت، اساساً عمل منتفی است.

در صحیح مشهوره از رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) آمده است:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِامْرِئٍ مَّا نَوَىٰ، فَلَا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سُكُونٍ،

لِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ بِهَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا وَ الْغَافِلُونَ قَدْ ذَمَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا وَ قَالَ أُؤَلِّيكَ هُمْ الْغَافِلُونَ،

ثُمَّ النِّيَّةُ تَبْدُو مِنَ الْقَلْبِ عَلَى قَدْرِ صَفَاءِ الْمَعْرِفَةِ وَ تَخْتَلِفُ عَلَى حَسَبِ اخْتِلَافِ الْإِيمَانِ فِي مَعْنَى قُوَّتِهِ وَ ضَعْفِهِ»^۴؛

یعنی ملاک ارزش اعمال بسته به نیت آن است. پس بر هر بنده ای از بندگان خدا لازم است که نیت خود را در تمام حرکات و سکنتات خالص کند، زیرا در غیر این صورت، از جمله غافلین محسوب می شود و خداوند متعال غافلین را مذموم شمرده و می فرماید: «آنان مانند چهارپایان و بلکه گمراهترند و آنان غافلان هستند».

۳ . الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۸۴

۴ . مصباح الشریعة، ص ۵۳

سپس بدانید که نیت از قلب نشأت می‌گیرد و آن نیز مبتنی بر مقدار صفا معرفت است (پس منشا نیت، معرفت است) و قوت و ضعف آن نیز حسب درجه ایمان مختلف است.

بنابراین، اساس و شالوده اعمال مبتنی بر نیت است. و در واقع، عمل، ثمره «نیت قربه إلی الله» است؛ «الْأَعْمَالُ ثَمَارُ النِّيَّاتِ»^۵، چرا که عبادات و جمیع فرائض با هدف تقرب إلی الله انجام می‌شود. لذا عبادت، بدون نیت قربه إلی الله پذیرفته نیست، چون چنین عبادتی هیچ إتجاهی^۶ ندارد.

چنانچه حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِيَّاكَ وَ الرِّيَاءَ فَإِنَّهُ مِنْ عَمَلٍ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ كَلَهُ اللَّهُ إِيَّيْكَ مِنْ عَمَلٍ لَهُ»^۷؛

بپرهیز از ریا، (چون در ریا عمل هیچ إتجاهی ندارد، بلکه برای رضا و قرب غیر خداست)، هرکس برای غیر خدا عمل کند، خدا او را به سوی همان کسیکه عمل را برای او انجام داده، واگذار می‌کند. از اینجا معلوم می‌شود که چرا شرط قبولی عبادات، نیت قربه إلی الله است.

اما پس از اینکه محرز شد، اساس عمل، نیت قرب است، باید بدانیم که نیت قرب خود مبتنی بر معرفت مقرب است، بلکه مکلف به قدر معرفت، نیت قرب خواهد داشت. چنانکه پیغمبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) فرمودند: «النِّيَّةُ تَبْدُو مِنَ الْقَلْبِ عَلَى قَدْرِ صَفَاءِ الْمَعْرِفَةِ»؛ یعنی منشا نیت از قلب به مقدار معرفت خالص و مقربی است که یک عبد به دست می‌آورد. پس معرفت مقرب بر نیت قرب، و نیت بر عبادت تقدم دارد.

۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۳

۶. در باب إتجاه یعنی جهت و مقصود یک عبد نسبت به معبودش، در فرایز از دعای شریف عرفه چنین آمده است: «أَنَا ذَا عَبْدِكَ مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ وَ عِزِّ جَلَالِكَ مُتَوَجِّهٌُ إِلَيْكَ وَ مُتَوَسِّلٌ إِلَيْكَ وَ مُتَقَرِّبٌ إِلَيْكَ وَ بِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ وَ أَكْرَمُهُمْ لَدَيْكَ وَ أَوْلَاهُمْ بِكَ وَ أَطْوَعُهُمْ لَكَ وَ أَعْظَمُهُمْ مِنْكَ مَنْزِلَةً وَ عِنْدَكَ مَكَانًا وَ بَعِثْتَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْهُدَاةَ الْمَهْدِيِّينَ الَّذِينَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ جَعَلْتَهُمْ وُلَاةَ أَمْرِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ».

کتاب المزار- مناسک المزار(للمفید)، النص، ص ۱۵۹

۷. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۶۶

مؤید دیگر بر این مطلب، کلامی از حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) در تفسیر آیه ۵۶ سوره مبارکه ذاریات است که فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ»^۸؛

ای مردم، خداوند متعال بندگانش را نیافریده مگر برای آن که او را بشناسند، و تنها هنگامی که بندگان نسبت به خدا معرفت یافتند، او را عبادت می کنند، و زمانی که او را عبادت کردند، از پرستش غیر او بی نیاز می گردند.

براساس این حدیث شریف نیز آغاز عبودیت، معرفت است. و معرفت بر عبودیت تقدم دارد. پس لازمه قبولی عبادات، معرفت است. و آن معرفتی مفید فایده است که مقرب باشد و الا آن عبادت مُنتج به استغنا یا رقیّت نخواهد شد.

لذا معرفت، آن شناختی است که مقرب باشد. یعنی شناختی که نتیجه آن قربت به الله باشد. بلکه اگر شناختی به قربت به الله ختم شود به آن معرفت گفته می شود.

معرفت امام به نورانیت

کمال این معرفت مقرب، وفق کلام نورانی ائمه معصومین (علیهم السلام)، «معرفت امام» است. چنانچه حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) در ادامه حدیث فوق فرموده اند: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ، مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»^۹؛ یعنی معرفت خدا آنست که اهل هر عصر و زمانی، امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است، بشناسند.

پس معرفت مقرب، «معرفه الامام» است و معرفه الإمام، کمال کل کمال، کمال تفقه در دین و اصل، و اساس و غایت معرفت الله می باشد، زیرا تحصیل این معرفت، موجب ایصال عبد به محکم معنای تشریح می شود.^{۱۰}

^۸ . علل الشرائع، ج ۱، ص ۹

^۹ . همان

^{۱۰} . همانطور که در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است:

«الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ»؛

این کلام حضرت اُصدق الصادقین (علیه السلام) تصریح به همین مطلب دارد که:
«التَّوْحِيدُ لَا يَتِمُّ إِلَّا بِالْوَلَايَةِ، إِذْ بِالْإِمَامِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَ يُعْرَفُ طَرِيقُ عِبَادَتِهِ فَهِيَ كَمَالُ التَّوْحِيدِ،
وَ أَصْلُهُ وَ أَسَاسُهُ وَ غَايَتُهُ»^{۱۱}؛

توحید تنها با ولایت تمام می شود، زیرا خدا و طریق عبادت او بواسطه امام شناخته می شود و این، کمال توحید، اصل، اساس و غایت توحید است.

بنابراین صحت عبادات متوقف بر نیت قربة الی الله است،
و تحصیل تقرب متوقف بر معرفتی است که مقرب باشد.
با توجه به مطالبی که بیان شد، تنها معرفة الإمام است که مفید تقرب است.
زیرا اصل و اساس معرفة الله و عبودیت خداوند، معرفت امام است.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) در خطبه مبارکه نورانیت به این مطلب تصریح فرمودند
که معرفت مقرب، یا آن معرفتی که منجر به استغنائی انسان از غیر و قرابت او به ساحت
مقدس کبریایی می شود، چیست:

«إِنَّهُ لَا يَسْتَكْمِلُ أَحَدُ الْإِيْمَانِ حَتَّى يَعْرِفَنِي كُنْهَ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ»^{۱۲}؛
ایمان کسی کامل نمی شود، جز اینکه مرا به نورانیت بشناسد.

یعنی ایمان، منحصر از یک طریق کامل می شود و آن طریق، منحصر شناخت کُنه امام
به نورانیت است. پس کُنه معرفت امام و کمال معرفت، «معرفة بالنورانية» است.

و کمال معرفت نورانی، سیر در أسماء الحسنی الهی است که امام باقر (علیه السلام) در
این خصوص فرمودند:

یعنی تمام کمال، تفقه در حقیقت دین یا همان معرفت امام، شکیبائی بر ناگواریها و اندازه گیری در معاش و زندگی می باشد.

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۲

۱۱ . بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۳۷

۱۲ . بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱

«نَحْنُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»^{۱۳}؛

ما آن نیکوترین اسم های الهی هستیم که خداوند، عملی از بندگانش را جز با معرفت ما نمی پذیرد.

^{۱۳}. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص ۴

یافته هایی که ضمن بررسی این مقاله به دست آمد:

- هدف تشریح عبارتست از تحصیل معرفت مقرب؛ یعنی معرفتی که به سبب آن عباد بتوانند به قرب الهی دست یابند.
- در تشریح اطاعت از اوامر و انجام اعمالی بر عهده مکلفین مستقر شده است. انجام اعمال منوط به نیت قرب است و نیت قرب، منوط به معرفت مقرب است. لذا ارزش اعمال به قدر معرفتی که هر عبد به دست می آورد، نسبی خواهد بود.
- معرفت مقرب همان معرفت امام به نورانیت است؛ چرا که عبودیت و معرفت خداوند به سبب امام ایجاد می شود.
- کنه معرفت امام به نورانیت، سیر در أسماء الحسنی الهی است.